

تجاوز هوایی اسرائیل به سوریه (۲۰۱۳)، دلایل و پیامدها

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۲۸۰۱

پهمن ماه ۱۳۹۱

دفتر: مطالعات سیاسی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه
۲.....	سابقه حمله اسرائیل به کشورهای عربی و اسلامی
۴.....	نگاهی به وضعیت کنونی سوریه
۶.....	شکست طرح سرنگونی نظام سوریه و تحریک نقطه‌ای برای مداخله نظامی
۷.....	مسلح شدن حزب‌الله و بهانه‌های حمله
۹.....	چگونگی حمله اسرائیل به حومه دمشق
۱۰.....	ارزیابی حمله به مرکز تحقیقاتی وزارت دفاع سوریه
۱۱.....	دلایل و اهداف ورود اسرائیل به این ماجراجویی
۱۲.....	نتیجه‌گیری



تجاوز هوایی اسرائیل به سوریه (۲۰۱۳)، دلایل و پیامدها

چکیده

تداوم بحران در سوریه و ناتوانی شورشیان مسلح برای سرنگونی نظام حاکم این کشور در طول ۲۲ ماه گذشته هرچند ساختار کلی ارتش سوریه را نابود نکرد، اما درگیر شدن ارتش در داخل، موقعیت را برای فرصت‌طلبی رژیم صهیونیستی جهت ضربه‌زدن به زیربنای نظامی و دفاعی سوریه فراهم کرد. حمله هوایی رژیم صهیونیستی به یک مرکز مطالعاتی وزارت دفاع سوریه در همین راستا صورت گرفت. این حمله در واقع برای ضربه‌زدن به محور مقاومت از یک‌سو، از بین بردن قبح حمله به سوریه و دادن روحیه به شورشیان و در نهایت از بین بردن یکی از مراکز مهم تحقیقاتی سوریه صورت گرفت. این گزارش درصدد است تا نگاهی به دلایل و پیامدهای این حمله داشته باشد.

مقدمه

جنگنده‌های ارتش رژیم صهیونیستی بامداد چهارشنبه ۱۱ بهمن‌ماه در یک اقدام تنش‌آفرین و بحران‌زا به خاک سوریه تجاوز کرده و با شلیک شش فروند موشک به یکی از مراکز مهم مطالعاتی و پژوهشی وزارت دفاع سوریه؛ بخش‌هایی از آن را ویران کردند. این حمله همچنین دو کشته و چند زخمی که بیشتر آنها از نگهبانان این

مرکز بودند، در پی داشت.

این حمله درحالی صورت گرفت که ارتش سوریه در جبهه‌های مختلف درگیر نبرد با شورشیان مسلح بوده و موفقیت‌های بسیاری هم به‌دست آورده است. ازسوی دیگر خارج شدن حمله نظامی به سوریه از دستور کار ناتو و آمریکا به میزان زیادی بر روند تحولات این کشور تأثیرگذار بود.

این مسئله تا آنجا اهمیت دارد که در حوزه سیاسی نیز ائتلاف مخالفان موسوم به ائتلاف دوحه به ریاست «معاذالخطیب» تاکنون راه به جایی نبرده و در تشکیل یک دولت انتقالی نیز شکست خورده است. این رویکردهای نظامی و سیاسی، موضع نظام حاکم بر سوریه را تقویت و مخالفان را در وضعیت ضعف قرار داد. همین مسئله باعث شد تا رژیم صهیونیستی با بهره‌برداری از موقعیت پیش آمده و به بهانه ممانعت از ارسال سلاح به حزب‌الله لبنان حمله هوایی اخیر را صورت دهد که در نهایت، نه تنها دستاورد چندانی برای این رژیم نداشت بلکه باعث افزایش محبوبیت نظام سوریه و مشروعیت‌زدایی از مخالفان مسلح به‌عنوان هموارکنندگان مسیر این حمله شد.

سابقه حمله اسرائیل به کشورهای عربی و اسلامی

رژیم صهیونیستی با توجه به خوی تجاوزکارانه خود تاکنون بارها به کشورهای عربی حمله‌های ناگهانی هوایی کرده و مراکز و مجتمع‌های صنعتی، انسانی و راهبردی آنها را هدف قرار داده است. به برخی از این موارد از ابتدای دهه هشتاد قرن گذشته میلادی می‌توان به‌صورت ذیل اشاره کرد:



۱. حمله به مرکز اتمی اوسیراک در غرب بغداد در سال ۱۹۸۱. این حمله درحالی صورت گرفت که این مرکز هسته‌ای توسط جنگنده‌های ایرانی هدف قرار گرفته بود و عملاً از توسعه بازمانده بود.
 ۲. حمله به مرکز سازمان آزادی‌بخش فلسطین در تونس در سال ۱۹۸۸. در این حمله ده‌ها تن از اعضای این سازمان کشته شدند. زین‌العابدین بن علی رئیس‌جمهور مخلوع تونس که در آن زمان وزیر کشور بود از این حمله آگاه و مقدمات آن را فراهم کرد.
 ۳. تجاوز به حریم هوایی لبنان از ابتدای دهه هشتاد تا جنگ ۳۳ روزه که طی آن مراکز مختلف این کشور هدف قرار گرفت و نابود شد.
 ۴. در سال ۲۰۰۷ جنگنده‌های اسرائیلی یک مرکز صنعتی را در استان دیرالزور در شرق این کشور هدف قرار دادند که مدعی بودند یک مرکز اتمی است.
 ۵. در سال ۲۰۰۸ جنگنده‌های اسرائیلی بر فراز کاخ ریاست‌جمهوری سوریه در لاذقیه به پرواز درآمدند.
 ۶. در سال ۲۰۱۲ نیروی هوایی ارتش رژیم صهیونیستی به یک مجتمع تولید سلاح در خارطوم پایتخت سودان حمله کرد و با شلیک چند فروند موشک بخشی از آن را نابود کرد.
- رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۷ همچنین ژنرال محمدسلیمان رابط نظام سوریه با گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین اشغالی را در بندر طرطوس هدف قرار داد. این رژیم همچنین حاج عماد مغنیه فرمانده نظامی مقاومت اسلامی لبنان را هم در ماه فوریه سال ۲۰۰۸ در دمشق به شهادت رساند.

حمله موشکی نیروی هوایی ارتش رژیم اسرائیل به مجتمع تحقیقاتی و مطالعاتی وزارت دفاع سوریه در منطقه جمرایا در غرب دمشق در واقع آخرین این تجاوزها خواهد بود و بدون شک در صورت ادامه وضع موجود ممکن است این رژیم جسارت کرده و اهداف بیشتری را در این کشور و به احتمال زیاد لبنان مورد حمله قرار دهد.

نگاهی به وضعیت کنونی سوریه

برای بررسی بهتر دلایل این حمله باید به وضعیت کنونی سوریه در بُعد سیاسی، نظامی و امنیتی و اقتصادی پرداخت. باید تأکید کرد که وضعیت این کشور در همه زمینه‌ها نسبت به چندماه پیش بهتر و در شرایط ایدئال و مطلوب قرار دارد.

بُعد سیاسی: از نظر سیاسی وضعیت کنونی سوریه را باید به پیش و پس از سخنان بشار اسد رئیس‌جمهور این کشور در دی‌ماه گذشته تقسیم کرد. پیش از این سخنانی فشار بر سوریه در بُعد بین‌المللی، منطقه‌ای و حتی داخلی زیاد بود اما این سخنانی نشان داد که دولت و نظام سوریه در حوزه سیاسی از استحکام لازم و کافی برخوردار است و برخلاف تبلیغات موجود می‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

در این زمینه باید تأکید کرد که با توجه به شرایط نظامی و امنیتی سوریه، وضعیت در حوزه بین‌المللی نیز تغییر کرد تا جایی که برخی از کشورهای عربی و غربی با ناامیدی از شورشیان و مشاهده استحکام داخلی دولت سوریه، پای خود را از پرونده این کشور به صورت تقریبی عقب کشیدند که در این زمینه باید به انگلیس،



عربستان و آمریکا اشاره کرد.

راهحل ارائه شده توسط بشاراسد برای پایان بحران ۲۲ ماهه این کشور نیز باعث شد تا مخالفان در حوزه داخلی دچار شکاف شوند که در این مورد باید به اظهارات معاذ خطیب رئیس ائتلاف دوحه اشاره کرده که خواستار مذاکره با دولت سوریه شده بود.

بُعد نظامی - امنیتی: ارتش و نیروهای امنیتی سوریه در طول دوماه گذشته موفقیت‌های بسیاری در زمینه میدانی کسب کرده‌اند، امن کردن شهر دمشق و سرکوب گروه‌های مسلح اطراف پایتخت، امن کردن تقریبی شهر حمص، ناکام کردن شورشیان در حمله به شهر حماه و مناطق اطراف آن و همچنین بازپس‌گیری برخی از مناطق شهر حلب در این چارچوب قابل ارزیابی است. عملکرد مناسب ارتش سوریه زمینه را برای شکست سیاسی مخالفان آماده کرد، کمااینکه در این زمینه باید بر این مسئله تأکید داشت که شورشیان مسلح تلاش بسیاری کردند تا پس از ناکامی در حمله به دمشق - در آبان‌ماه گذشته - خود را بازسازی کنند و توان خود را به رخ کشورهای غربی بکشند، اما همه تلاش‌های آنها که در برخی مواقع دست به اقدامات محیرالعقول و خارج از قاعده نظامی می‌زدند، تنها تلفات آنها را افزایش داد که در این زمینه باید به طرح حمله به فرودگاه تفتناز و پادگان وادی‌الضیف در استان ادلب اشاره کرد که به گفته منابع آگاه طی آن دستکم سه هزار تن از شورشیان مسلح به هلاکت رسیدند.

یکی از مسائل مهمی که در طول دوماه گذشته روی داد، روند انتقال و آماده‌سازی ۶ سیستم ضدموشک پاتریوت ناتو در ترکیه بود که این اقدام با ورود

موشک‌های راهبردی اسکندر روسی به سوریه؛ عملاً به اقدامی بی‌ارزش تبدیل و باعث تضعیف موقعیت دمشق و تهدید خارجی این کشور نگردید. یکی از مهمترین مسائلی که در حوزه نظامی در سوریه قابل اهمیت و اشاره است، قرار گرفتن گروه تروریستی جبهه النصره در لیست گروه‌های تروریستی آمریکا و خودداری این کشور از ارسال سلاح به سوریه دلیل ترس از افتادن این تسلیحات به دست این گروه اشاره کرد. جبهه النصره در واقع توسط اخوان المسلمون سوریه و توسط فاروق طیفور تشکیل و هدایت می‌شود و در حال استفاده از ظرفیت‌های القاعده است.

بُعد اقتصادی: دولت سوریه علیرغم ۲۲ ماه جنگ؛ هنوز به دولتی ورشکسته تبدیل نشده است. هرچند این کشور پیش از درگیری‌های اخیر از نظر امنیت غذایی یکی از کشورهای جهان به‌شمار می‌رفت و بحران اخیر تأثیر بدی بر این روند گذاشت، اما نوع مدیریت صورت گرفته بر بحران باعث شد تا این کشور بتواند همچنان نیازهای اساسی خود را تأمین کند و با کمک کشورهای دوست، مرحله فعلی را پشت سر بگذارد. این وضعیت فشارهای اقتصادی و تحریم‌های اعمال شده توسط برخی کشورهای عربی، آمریکا و اتحادیه اروپا را بی‌اثر کرد و خود از عوامل مهم در تغییر رویکرد برخی طرف‌های خارجی در مسئله سوریه شد.

شکست طرح سرنگونی نظام سوریه و تحریک نقطه‌ای برای مداخله نظامی

شورشیان مسلح با وجود تمام تلاش‌ها نتوانستند در عرصه عملیاتی دستاورد مهمی داشته باشند؛ این ناتوانی با ناکامی کشورهای غربی - عربی برای دخالت نظامی در



سوریه، در واقع دو روی یک سکه بودند تا نشان دهد که سوریه دارای پتانسیل‌های لازم برای مقابله با طرح‌های مخرب داخلی و خارجی است و برای دخالت خارجی در این کشور باید اقدام دیگری انجام داد.

واقعیت آن است که بن‌بست در عرصه سیاسی و نظامی رژیم‌های قطر؛ ترکیه و اسرائیل را به فکر چاره‌اندیشی در این زمینه انداخت. این سه کشور با ناامیدی از شورای امنیت، ناتو و مهمتر از همه گروه‌های سیاسی و شورشیان مسلح، نیاز به یک اقدام تحریک‌آمیز داشتند.

ترکیه پیش از این با درخواست برای استقرار پاتریوت‌ها و حمایت علنی از عناصر مسلح به خصوص تروریست‌های جبهه‌النصره وابسته اخوان‌المسلمون سوریه، در صدد بود تا دمشق را وادار به واکنش کند و در این زمینه حتی به شلیک توپخانه‌ای به داخل خاک سوریه نیز روی آورد، اما هیچ‌کدام باعث نشد تا سوریه کنترل خود را از دست داده و وارد بازی دوحه - آنکارا - تل‌آویو شود.

انتشار اطلاعاتی مبنی بر حضور نخست‌وزیر قطر و وزیر امور خارجه ترکیه در سرزمین‌های اشغالی فلسطین در طول هفته گذشته، حکایت از طرح و برنامه‌ای جدید علیه سوریه داشت که شاید بهانه آن را اسرائیل باید فراهم می‌کرد.

مسلح شدن حزب‌الله و بهانه‌های حمله

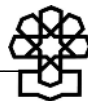
پیش‌بینی‌های مقامات نظامی و سران سیاسی رژیم اسرائیل در مورد سرنگونی دولت سوریه و برکناری بشاراسد رئیس‌جمهور این کشور از همان ابتدای شروع بحران

هیچ‌کدام به وقوع نپیوست. این پیش‌بینی‌ها با کمک‌های بی‌دریغ نظامی اسرائیل به شورشیان مسلح در سوریه؛ عملاً این رژیم را به یکی از مهمترین عوامل بی‌ثباتی در این کشور تبدیل کرد.

ورود افسران اطلاعاتی اسرائیل به خاک سوریه، افزایش ترور دانشمندان و افراد تأثیرگذار این کشور حضور و نفوذ موساد در میان گروه‌های شورشی به‌خصوص در دمشق و حومه آن را تأیید می‌کرد و علاوه‌بر آن، چند مورد تبادل آتش نیز میان طرفین در مرزهای منطقه اشغالی جولان صورت گرفت، اما به‌دلیل وحشت رژیم صهیونیستی از پاسخ احتمالی سوریه و حزب‌الله، این اقدامات در سطح گسترده‌تری انجام نشد، هرچند که سران این رژیم بارها از حمله نظامی به سوریه به بهانه وجود سلاح‌های شیمیایی سخن گفته‌اند.

نوع نگاه، ارزیابی و برنامه اسرائیل در مورد سوریه در مجموع ناشی از چند موضوع است:

۱. مسلح شدن حزب‌الله به سلاح‌های پیشرفته و به‌خصوص ادعای دستیابی مقاومت به سلاح‌های شیمیایی و موشک‌های دور برد،
 ۲. ضربه زدن به محور مقاومت و در نهایت تضعیف این جبهه،
 ۳. تضعیف ارتش قدرتمند سوریه با درگیر کردن آن در نبردهای داخلی.
- با تأکید بر این سه محور، رژیم اسرائیل دخالت در سوریه را توجیه و بیشترین تهدید را هم در مورد دستیابی مقاومت به سلاح‌های پیشرفته ابراز می‌کرد، اما این مسئله، عامل نهایی برای حمله اخیر به سوریه نبوده و نیست.



چگونگی حمله اسرائیل به حومه دمشق

در مورد چگونگی حمله جنگنده‌های اسرائیلی به مرکز مطالعات و پژوهش‌های نظامی وزارت دفاع سوریه در منطقه «جمرایا» روایت‌های مختلفی وجود دارد، اما آنچه مشخص است این جنگنده‌ها یا وارد حریم هوایی سوریه نشده‌اند، یا اگر هم شده‌اند، میزان آن جزئی بوده و تنها با همکاری نزدیک عوامل مسلح موفق به هدف قرار دادن آن شده‌اند.

جنگنده‌های اسرائیلی از یک روز پیش از حمله به این مرکز، پروازهای متعددی را در آسمان لبنان داشتند که از چشم پدافند سوریه به دور نماند و در واقع این پروازها مقدمه‌ای بود برای یک عملیات دیگر.

مقامات اسرائیلی با بیان اینکه هدف از این پروازها کنترل مرزهای سوریه با لبنان و ممانعت از دستیابی مقاومت به تسلیحات پیشرفته و جدید بوده، آن را توجیه کرده‌اند. براساس این اطلاعات، جنگنده‌های اسرائیلی شلیک ۶ فروند موشک این مرکز مهم را هدف قرار داده‌اند. برای حمله هوایی به این مرکز سرکار عمده صورت گرفت:

۱. برخی از اعضای گروه‌های مسلح در نزدیکی این مرکز مستقر شدند که سیستم‌های لیزری هدف‌گیری را با خود حمل می‌کردند،

۲. گروه دوم سیستم‌های جمینگ (همان اختلال) راداری را در نزدیکی رادار دمشق مستقر کرده تا در ساعت مقرر رادارهای سوریه را از نزدیک کور کنند،

۳. جنگنده‌های اسرائیلی به همان موشک‌هایی مجهز بودند که سه‌ماه پیش با آن یک مرکز ساخت تسلیحات را در جنوب خارطوم پایتخت سودان هدف قرار دادند.

گفته می‌شود جنگنده اسرائیلی موشک‌های هوا به زمین خود را از آسمان لبنان

شلیک کرده‌اند، اما درواقع با استفاده از سیستم هدف‌گیری لیزری، موشک‌های شلیک شده از فاصله بیش از ۳۰ کیلومتری به هدف اصابت کرده و بیشترین خسارت را به طبقات بالایی ساختمان‌های مذکور وارد کرده است. دلیل این مسئله هم همان هدف‌گذاری لیزری بوده است که شورشیان طبقات بالایی را نشانه‌گذاری کرده‌اند. به گفته مقامات نظامی سوریه در این عملیات دو نفر کشته و چند نفر هم زخمی شدند. به مرکز اصلی این مؤسسه مطالعاتی آسیبی نرسید، چرا که آنها در طبقات پایینی و زیرزمین مستقر بوده‌اند و همه نقشه‌ها و طرح‌های نظامی سالم هستند. رژیم صهیونیستی در قبال این حمله سکوت کرد و آن را نه تأیید و نه رد کرد. اما رسانه‌های این رژیم می‌گویند که دلیل این حمله ممانعت از انتقال سلاح به حزب‌الله لبنان بوده است!

ارزیابی حمله به مرکز تحقیقاتی وزارت دفاع سوریه

این حمله درواقع نه شکست عملیات انتقال سلاح به حزب‌الله است و نه عملیات نابودی قدرت دمشق، زیرا به احتمال زیاد آنچه ویران شد یک نمونه از چندین مجموعه مراکز پژوهشی تسلیحاتی سوریه است و مسلماً انهدام یک بخش نظامی که تل‌آویو می‌داند سوریه چندین نمونه مشابه آن را دارد، توجیه خوبی برای عملیاتی با این حجم از ماجراجویی نمی‌تواند باشد.

در توضیح این عمل صهیونیست‌ها فقط می‌توان یک عامل را مؤثر دانست و آن جنگ داخلی سوریه است که موجب تحلیل رفتن قوای دولت، ارتش و ملت سوریه



شده است. اگر فرض کنیم که رژیم صهیونیستی پیش از این از عملیات انتقال اسلحه استراتژیک برای حزب‌الله (طبق گفته گولان فرمانده منطقه شمالی در ارتش رژیم اسرائیل) آگاه بوده است؛ این امر نشان‌دهنده آن است که این رژیم جرئت نکرده در همان زمان مانع این عملیات شود و دلایلش هم مشخص است؛ از عکس‌العمل سوریه می‌هراسید زیرا در آن زمان دمشق هنوز از استقرار سیاسی و امنیتی برخوردار بود و می‌توانست در محور مقاومت با مهارت و قدرت نقش راهبردی خود را ایفا کند.

بنابراین ما در برابر یک گاه‌شمار اسرائیلی برای بهره‌برداری از لحظه دشوار و سخت در طرف مقابل هستیم که ظاهر آن سوءاستفاده از ضعف سوریه برای از سر گرفتن ارسال پیام‌های تهدیدآمیز به‌منظور تحمیل مفهوم خط قرمز است، هرچند زمینه برای عملی کردن آن مهیا نیست.

رژیم صهیونیستی از نام حزب‌الله برای ورود به خط درگیری‌های سوریه بر ضد نظام اسد توسل جست، زیرا این تنها نامی است که برای صهیونیست‌ها مشروعیت سیاسی بین‌المللی برای ورود به این عرصه را ایجاد می‌کرد. ضمن آنکه معارضان سوریه را هم از ممانعت آنان معاف می‌کرد.

دلایل و اهداف ورود اسرائیل به این ماجراجویی

ورود اسرائیل به معرکه سوریه فقط در قالب چند دلیل قابل فهم است:

۱. جبران ناکامی ناشی از تمام شرط‌بندی‌های اسرائیلی و غیراسرائیلی که پیش‌بینی‌هایشان برای فروپاشی نظام اسد در زمان معینی یکی پس از دیگری غلط از آب در آمد،

۲. به‌وجود آمدن وضعیت میدانی به نفع نظام در طی چند هفته اخیر،

۳. عقب‌نشینی دشمنان سوریه از دخالت نظامی در این کشور.

اما این اقدام اسرائیلی‌ها در اصل برای به‌دست آوردن مجموعه‌ای از اهداف است:

۱. ایجاد مانع در مسیر انتقال اسلحه به حزب‌الله لبنان،

۲. تلاش برای تثبیت معادلات جدید در رابطه با مرزهایی که نظام حاکم سوریه

می‌تواند از طریق آن با سلاح‌های راهبردی که در اختیار دارد با سایرین تعامل کند،

۳. از بین بردن قبح دخالت خارجی با ارائه نمونه کوچکی از آن که هزینه‌ای هم

دربر نداشت،

۴. گسترش نفوذ مخالفان مسلح با اعمال فشار بیشتر از طریق سرگرم کردن

نظام به جبهه جدیدی که باعث کاسته شدن از توان ارتش می‌شود.

نتیجه‌گیری

حمله هوایی رژیم صهیونیستی به مرکز پژوهشی و مطالعاتی وزارت دفاع سوریه در حقیقت یک مسئله مهم را نشان داد و آن هم زیر سؤال رفتن این ایده بود که تل‌آویو خواستار بقای نظام سوریه به‌دلیل حفظ امنیت مرزهای فلسطین اشغالی در طول چهار دهه گذشته است، مسئله‌ای که از زمان شروع بحران این کشور برخی طرف‌ها برای جدا کردن این رژیم از دخالت در سوریه و حمایت تسلیحاتی و اطلاعاتی از شورشیان به آن دامن می‌زدند.

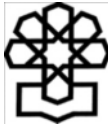
اما در بُعد مهمتر این حمله نشان داد تمام محور مقاومت در پیش‌بینی‌های خود



اشتباه کردند چون محاسباتشان را براساس عدم دخالت علنی تل آویو در سوریه بنا کردند؛ هرچند ردپای موساد در بعضی عملیات های امنیتی سوریه در طی چند ماه اخیر مشهود بود، اما دخالت در این حجم شکل که شاید گشودن محور درگیری جدیدی در منطقه باشد، خود بسیار مهم تلقی می شود. از این رو محور مقاومت باید هشیاری خود را در برابر ماجراجویی ها، دخالت ها و حملات این رژیم بیشتر کند. زیرا این احتمال وجود دارد سران تل آویو بخواهند با استفاده از سرگرم شدن دمشق به تحولات داخلی خود، در محور دیگری آن هم لبنان وارد عمل شوند.

واکنش کشورهای مختلف به تجاوز هوایی نیز به نوبه خود قابل تأمل است. درحالی که ایران، عراق، لبنان، مصر و روسیه این حمله را محکوم کردند، آمریکا و کشورهای اروپایی به همراه ترکیه و کشورهای عرب مخالف نظام سوریه در قبال آن سکوت کردند. آمریکا پس از این حمله - که از آن مطلع بود - از سوریه خواست تا حزب الله را مسلح نکند که در حقیقت واکنشی در راستای منافع اسرائیل بود و نشان داد واشنگتن از این حمله و تبعات آن مطلع بوده است.

هرچند انتظار نمی رود دمشق در کوتاه مدت این حمله را تلافی کند، اما سران محور مقاومت به همراه برخی کشورهای دوست و همراه باید در بعد عملی به این حمله واکنش نشان دهند، زیرا اگر سران رژیم صهیونیستی دریابند حمله آنها با واکنش جدی مواجه نشده، ممکن است دامنه این گونه اقدامات خود را گسترش دهند.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۸۰۱

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تجاوز هوایی اسرائیل به سوریه (۲۰۱۳)، دلایل و پیامدها

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: کریم جعفری

ناظر علمی: محمد جمشیدی

مقتضی: معاونت سیاسی - حقوقی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. سوریه

۲. اسرائیل

۳. محور مقاومت

۴. حمله اسرائیل به سوریه

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۱۱/۱۶